



بازشناسی مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی ایران

رسا ربیعی^۱ ID، محمد منصور فلامکی^۲ ID، داراب دیبا^۳ ID

^۱ گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rasaarch@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mansour.falamaki@gmail.com

^۳ گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dar.diba@iauctb.ac.ir

چکیده

شکل‌گیری خانه در ایران از دیرباز مبتنی بر معیارها و نمادهای خاص خود بوده است. خانه ایرانی، موجودیتی ارزشمند است؛ برآورده‌کننده نیازهای ساکنانش و شکل گرفته بر پایه ارزش‌های کیهانی و جهات مقدس. با وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری ایدئولوژی مدرنیسم، ارزش‌هایی که شکل‌دهنده جهان آرمانی انسان سنتی بودند، به یکباره فرو ریختند و بازتاب آن در معماری به جدایی روح از ماده، باطن از ظاهر، کیفیت از کمیت و در نتیجه هویت از معماری انجامید. خانه ایرانی که زمانی نماد هویت ملت ایران بود به ساختمان‌های مکعب شکل یکنواختی تبدیل شد که بی‌توجه به فرهنگ، اقلیم، بینش شاعرانه-اساطیری و ارزش‌های دینی، در کنار یکدیگر قد برافراشتند و روزبه‌روز چهره شهر را آشفته‌تر کردند. هویت که یکی از پرتنش‌ترین و پیچیده‌ترین مقوله‌های عصر حاضر است، نیرو محرکه این پژوهش است. در این پژوهش به بررسی ریشه‌های شکل‌دهنده هویت خانه ایرانی در گذشته پرداخته می‌شود تا با بازشناسی آن‌ها بتوان هویت بیمار، مخدوش و زیرسؤال رفته خانه معاصر ایرانی را اصلاح و درمان کرد. این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و روش انجام آن کیفی می‌باشد. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور اسناد مربوط به هویت و خانه ایرانی شکل گرفته است. نتایج بررسی به ارائه معیارهایی جهت باززنده‌سازی هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های معاصر می‌انجامد.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت شاخص‌های شکل‌دهنده هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی ایران.
۲. شکل‌گیری خانه‌های معاصر بر مبنای الگوهای ایرانی-اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت در خانه‌های تاریخی ایران کدام‌اند؟
۲. چگونه می‌توان هویت مخدوش‌شده خانه‌های معاصر را باززنده‌سازی کرد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۳۱۹ الی ۳۳۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

هویت،

بحران هویت،

مدرنیسم،

خانه ایرانی،

مسکن.

ارجاع به این مقاله

ربیعی، رسا، فلامکی، محمد منصور، دیبا، داراب. (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی ایران. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۳۱۹-۳۳۴.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.23.2](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.23.2)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.23.2](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.23.2)

مقدمه

تولید خانه مسکونی در دهه‌های اخیر در شهرهای بزرگ ایران و به تدریج در تمامی رده‌های زیستگاه‌های کشور، وضعیتی بحرانی پیدا کرده است و این در شرایطی است که عامل‌ها و متغیرها، انگیزه‌ها و ریشه‌های این بحران به درستی شناسایی نشده‌اند (فلامکی، ۱۳۸۹: ۳۷۶). متأسفانه خانه‌های معاصر در ایران با پدیده بحران هویت روبه‌روست و خانه و شهرک‌های ساخته‌شده در حاشیه شهرهای ایران در دهه‌ها و سال‌های اخیر، از خصایص شکلی، فنی، کاربردی و جایگزینی محیطی‌ای برخوردارند که نه به فرهنگ سکونتی دیروز ساکنان آن‌ها مبتنی است، نه اقتباسی است از روال و روش و مدل خانه‌سازی در کشورهای جهان سوم و نه بر مبنای تصور و تجسم فضایی ویژه‌ای است آرمانی (فلامکی، ۱۳۸۵: ۴۴). در واقع وقتی پدیده‌ای را دارای هویت احساس می‌کنیم که توقعات ما را برآورده سازد. برای مثال، همه انسان‌ها انتظار دارند که خانه‌شان به صورت فیزیکی و روانی پناهگاه آن‌ها باشد و امنیت و آسایش را برایشان فراهم آورد. حال اگر سرپناهی که در آن زیست می‌نمایند، این توقع را برآورده سازد، به آن نام خانه اطلاق می‌کنند و این نامگذاری، سرپناه مذکور را واجد هویت خاص خود می‌گرداند» (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۶۱). هویت مکان^۱ بخشی از هویت شخصی است و قسمتی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که در آن زندگی و فعالیت می‌کند. بنابراین با احراز هویت مکان، فرد احساس هویت می‌نماید.

انگیزه اصلی برای شناخت موضوع، دستیابی به ارزش‌هایی است که معماری می‌تواند به میدان زندگی سکونتی شهرنشینان کشور، در مقیاس محله‌های مسکونی شهرها، عرضه بدارد. گذار از خانه‌های مبتنی بر روابط سنتی و ارزش‌های مقدس به خانه‌هایی که ساده‌ترین شکل خانه‌سازی‌های جاری در سایر کشورها را می‌نمایند، امری است که می‌تواند نمایانگر بحران کنونی در امر خانه‌سازی به مقیاس‌های محله و شهر در ایران به شمار رود و ثمر آن، خانه‌هایی است که به صورتی پرشمار و به دور از هویت مطلوب محلی در همه سطوح نوساخته شهر دیده می‌شود.

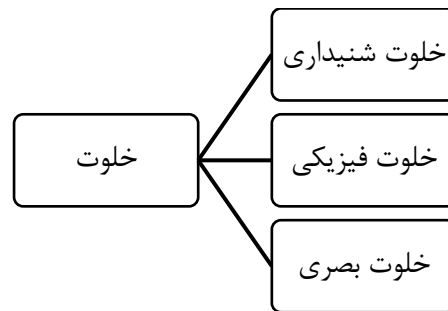
بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی بحران هویت در معماری معاصر پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و روش انجام آن کیفی می‌باشد. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور اسناد مربوط به هویت و خانه ایرانی شکل گرفته است. برای سنجش هریک از مؤلفه‌ها از تکنیک‌های مختلف مصاحبه، مشاهده عینی، مرور نوشتارها، اسناد، تحلیل نقشه‌های مربوط و سایر تکنیک‌های تجربی استفاده شده است. نتایج بررسی به ارائه معیارهایی جهت باززنده‌سازی هویت ایرانی-اسلامی در خانه‌های معاصر می‌انجامد.

^۱ Identity of Place

۱. بازشناسی هویت خانه ایرانی

۱/۱. خلوت

خلوت، کنترل مرز درونی انسان و مکانیزمی جهت کنترل ارتباطات است. نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمروپایی در انسان وجود دارد و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس مرتبط است. خلوت را می توان از سه جنبه مورد بررسی قرار داد: خلوت شنیداری، خلوت فیزیکی و خلوت بصری.



نمودار ۱-۲: انواع خلوت

خلوت در خانه های ایرانی خصوصاً در خانه های سنتی، نمودی مذهبی دارد و بر رعایت آن تأکید شده است: «ای اهل ایمان هرگز به خانه ای، مگر خانه های خودتان، وارد نشوید، مگر اینکه با صاحبش انس یا از او اجازه داشته باشید و به اهل آن خانه نخست، سلام کنید که این شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر شوید!» (قرآن کریم، سوره نور: آیه ۲۷). در واقع در ایران پس از پذیرش اسلام، به روشنی می توان فهمید که موضوع رابطه زن و مرد مهم ترین اصل شکل دهنده و تعریف کننده حریم ها در خانه و خارج از آن بوده است.

در رابطه با مفهوم خلوت در فرهنگ اسلامی علاوه بر نسبت میان فرد با انسان های دیگر، نسبت های دیگری نیز مطرح است: نسبت فرد با خود و نسبت فرد با خدا. چنانچه نجم الدین رازی از عرفای بزرگ قرون ششم و هفتم بحث مفصلی در این خصوص دارد و برای تحقق صحیح آن شرایطی شمرده است: «بدان که بنای سلوک راه دین و وصول به مقامات یقین بر خلوت و عزلت است و انقطاع از خلق و جملگی انبیاء و اولیاء در بدایت حال داد خلوت داده اند تا به مقصود رسیده اند» (رازی، ۱۳۶۶: ۱۳۴). نتیجه آنکه برای انسان دیندار چهار نوع رابطه وجود دارد: رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا. خانه به عنوان ظرف زندگی انسان، می باید تأمین کننده این چهار نوع رابطه باشد و متأسفانه این همان کیفیتی است که امروزه اکثر خانه ها فاقد آن هستند. «خانه، ظرف زندگی ماست. انسان از آن هیجان و حرکت که در بیرون اتفاق می افتد، به خانه پناه می برد تا تجدید قوا کند و امکان آن را پیدا کند تا به سمت یافتن خویشتن خویش برود و خانه محل این سفر درونی است» (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۵).

در معماری سنتی ایران، به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان هایی تحت عنوان «زاویه» یا «گوشه» یا «خلوت خانه» وجود داشته که مسلمانان در آن ها به انجام عبادات خویش مثل اعتکاف یا چله

نشینی می‌پرداختند. «علی‌رغم کامل نبودن مصادیق در دسترس و در غیبت مسکن دوره‌های قبل از قاجار، اگرچه چنین مکان‌هایی در بناهای مسکونی کاملاً در اختیارمان نیست، ولی می‌توان از بعضی گزارش‌های تاریخی یا حتی مبتنی بر تحلیل این امور عبادی، فضای خاص - یا امکان ایجاد فضای خاص - در گستره خانه را حدس زد یا در نظر گرفت؛ چراکه وقتی در فضاهای پرجنب‌وجوش اجتماعی برای این امر فضایی در نظر گرفته می‌شد، به علت اولی وجود آن برای فضای مسکونی شخصی نیز می‌تواند توجیهی بیابد، به‌ویژه اینکه از سایر منابع تاریخی مثل داستان‌ها و روایات استنباط می‌شود که برای عبادت در خانه فضاهایی خاص این امر وجود داشته است. صندوق خانه‌ها، پستوخانه‌ها، زایویه‌ها، کنج‌ها و انواع فضاهایی که وجود داشته مصادیق آن فضاها هستند» (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۵).

خانه‌های مدرن در ایران در تقابل با خانه‌های سنتی شکل گرفته و سبب ایجاد اختلال در مفهوم خلوت شده‌اند. در خانه‌های مدرن افراد حق انتخاب همسایه خود را نداشته و در کنار افرادی با فرهنگ و باورهای متفاوت زندگی می‌کنند. لذا عدم وجود اشتراکات فرهنگی سبب تفاوت در حفظ حریم و فضای شخصی ساکنین محله‌ها گشته و باتوجه‌به این موضوع که حفظ حریم و فضای شخصی ارتباطی مستقیم با فرهنگ مردم دارد، لذا تفاوت تقسیم فضاها در شهر سنتی و مدرن سبب تفاوت درک این خصوصیت در خانه‌ها شده است. از طرفی، سلسله‌مراتب ورود به خانه‌های سنتی با گذر از محله و کوچه آغاز می‌شد و هر کوچه به تعداد محدودی خانه اختصاص می‌یافت؛ به‌گونه‌ای که کوچه یک فضای نیمه‌عمومی محسوب می‌شد و فرد پیش از ورود به فضای خصوصی خانه از آن گذر می‌کرد؛ در حالی که ورود به خانه‌های جدید که بیشتر در قالب مجتمع‌های مسکونی یا همان آپارتمان‌ها شکل گرفته‌اند، از طریق کوچه‌هایی در هیئت خیابان صورت می‌گیرد و ورود به هر خانه بدون رعایت سلسله‌مراتب فضایی و تنها از طریق یک در به این کوچه‌ها شکل می‌گیرد. با ورود به آپارتمان، فرد وارد یک محیط نیمه‌عمومی شده که نه تنها شباهتی به فضای هشتی خانه‌های سنتی ندارد، بلکه فضایی نامتجانس است که نهایت تعارض آن با مفهوم خلوت، در محوطه آسانسور شکل می‌گیرد.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در ایجاد حس خلوت در خانه‌های سنتی ایران، درون‌گرایست که توسط حیاط مرکزی تأمین می‌شد. درون‌گرایی در خانه ایرانی ضمن بهبود شرایط اقلیمی، ارتباط با طبیعت و ایجاد منظر بصری مطلوب، مسئله حجاب و خلوت را مدنظر قرار می‌داد و این مزیت سبب می‌شد برخلاف خانه‌های امروزی که هر کس برای داشتن خلوت به اتاق یا فضای خصوصی خود پناه می‌برد، بتواند در تمام فضای خانه احساس خلوت را داشته باشد. یکی از راهکارهای ایجاد خلوت، جداسازی میانسرا و اتاق‌ها با اختلاف ارتفاع بوده است که با وجود ارتباط مستقیم آن‌ها، دید بصری محدود می‌شد و فضای خصوصی افراد رعایت می‌شد. پنجره رنگی اتاق‌ها نیز با وجود هدایت نور به داخل، دید بصری را محدود می‌کرد. از طرفی، تقسیم خانه‌های ایرانی به دو قسمت اندرونی و بیرونی پاسخی در خور به مسئله خلوت بوده است. درواقع، خانه ایرانی دارای فضایی به نام میهمانخانه بوده است تا ضمن تکریم مهمان از ورود او به عرصه‌های خصوصی ممانعت به‌عمل آورد. فضای اندرونی با زنان و کودکان و فضای بیرونی با بازدیدکنندگان و مردان اشغال می‌شد و این تفکیک در قلمروهای فضایی مانع از هرگونه تعرض به فضای خصوصی و خلوت اعضای خانواده می‌شده است.

امروزه معماران معاصر سعی دارند تا بحث خلوت و ایجاد حریم را با به‌کارگیری مصالح نوین همچون شیشه‌های دوجداره و مصالح با ضریب آگوستیک بالا، به خانه‌های مدرن وارد کنند. لیکن بایستی توجه داشت که خلوت یک کیفیت و مفهوم است و با شیشه دوجداره و پرده‌های ضخیم فقط جنبه مادی خلوت تأمین می‌گردد و جنبه معنوی آن که نیاز اصلی فرد است، پشت این پرده‌های ضخیم و فضاهای تاریک به نابودی کشیده می‌شود.

۱/۲. سلسله مراتب

اصل سلسله‌مراتب که ارتباط عرصه‌های مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی) تعریف می‌کند، به دلیل ویژگی‌های خانه که آن را «حرم» نامیده‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با خانه، سلسله‌مراتب را می‌توان در دو درجه بیرونی و درونی مورد بررسی قرار داد. سلسله‌مراتب بیرونی، به ارتباط درون خانه با سایر فضاهای پیرامون آن می‌پردازد؛ در حالی که سلسله‌مراتب درونی بر تبیین ارتباط عناصر داخل خانه با یکدیگر متمرکز است. قابل ذکر است که در انتظام ارتباطات فضاهای داخلی نیز اهمیت سلسله مراتب، کم‌تر از ارتباط خانه با خارج آن نمی‌باشد. چنانچه توصیه شده است که از سنینی مشخص، خوابگاه دختران و پسران خانواده از یکدیگر جدا شود و همچنین کودکان بایستی برای ورود به محل استراحت والدین از آن‌ها اجازه بگیرند (قرآن کریم، سوره نور: آیه ۵۸-۵۹).

رابطه اجزای درونی خانه و همین‌طور ارتباط آن با فضاهای خارج از خود الزاماً باید هم‌واجد قلمروهای مشخص و تعریف‌شده‌ای باشد و هم حریم و فضاهای ارتباط‌دهنده این قلمروها باید معلوم باشند. برای نمونه، تعریف قلمروهایی چون قلمرو زندگی والدین، قلمرو فعالیت فرزندان، قلمروهای عمومی، قلمرو پذیرایی از میهمانان، قلمرو زندگی پسران و دختران خانواده و قلمروهایی از این قبیل، ضرورت خانه مطلوب است که در صورت اختلاط آن‌ها از میزان مطلوبیت خانه کاسته خواهد شد. مفهوم محرمیت و حریم در اسلام به معنای جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و نیز جداسازی زنان و مردان نامحرم است که با هدف تأمین امنیت خانواده صورت می‌گیرد و به این معناست که اسلام روابط آزاد بین زن و مرد را فقط در قالب ارتباط محارم مجاز می‌داند. «به مردان مؤمن بگو که نگاهشان به پایین بوده و با عفت باشند» (قرآن کریم، سوره نور: آیه ۳۰).

معماران ایرانی در شکل‌گیری خانه‌های سنتی عموماً به موضوع رعایت حریم خصوصی در کنار تکریم مهمان توجه ویژه‌ای داشته‌اند و برای انجام آن از الگوی تداخل قلمرو در فضای واحد و هم‌از الگوی مجزا ساختن مکان آن‌ها استفاده کرده‌اند. در نتیجه، انواع معینی از فرم ساختمان‌ها و چیدمان داخلی آن‌ها به‌طور گسترده تکرار کرده و فضاهای خصوصی، عمومی، نیمه‌خصوصی و گاهی نیمه‌عمومی را درون خانه به‌وجود آورده‌اند. بنابراین، نحوه ارتباط افراد ساکن خانه با یکدیگر دارای صورت‌های گوناگون و در نتیجه، فضاهای مورد استفاده‌ی آن‌ها برای برقراری این روابط، سطوح مختلفی از حریم خصوصی را دربرمی‌گیرد: عرصه عمومی، حوزه دوستان، همکاران، بستگان دور و همسایگان و به‌طور کلی افراد نامحرم است و عرصه خصوصی، حوزه اعضای خانواده است؛ به‌گونه‌ای که هیچ ارتباطی بین اعضای خانواده

و افراد غریبه وجود ندارد. معیار اندازه‌گیری این مفهوم زنان خانه هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند. این منطقه می‌بایست از نظر دسترسی و ارتباط بصری و تبادل صوت، از حوزه مهمانان نامحرم مجزا باشد. این تفکیک شامل نگاه‌های غیرارادی و ناخواسته نیز می‌شود، لذا دقت در این مسأله به‌عنوان یکی از کلیده‌های طراحی اسلامی مسکن (از نظر قرآن) باید مورد توجه قرار گیرد. دو حوزه دیگر یعنی عرصه‌های نیمه عمومی و نیمه خصوصی، فضاهای بینابینی دو عرصه اصلی را شامل می‌شوند. در نتیجه، حفظ حریم خصوصی خانواده، عملکرد اصلی خانه‌های سنتی ایرانی بوده است. در خانه‌های سنتی سلسله‌مراتب ورود به اندرون اغلب بدین سان سروده می‌شود: درگاه - در - هشتی - حیاط بیرونی - دهلیز - طنبی. هرچه به دوره پهلوی اول نزدیک‌تر می‌شویم، با رنگ باختن الگوی اندرونی - بیرونی، خانه‌ها، برون‌گرا می‌شوند، تا آنجا که در خانه‌های اواخر پهلوی اول، بخش اعظمی از ساختار سلسله‌مراتبی فرومی‌پاشد. درون، بدون واسطه، از بیرون در دسترس است. درحالی‌که در گذشته محرمیت مبتنی بر تفاوت و تمایز درون و برون بوده و درون خانه، مأمّن رخدادهایی است که ویژه اهالی خانه است. این تمایز، که ریشه در تفکر شرقی دارد، در قالب کالبد معماری ایرانی شکل گرفته است. محرم و نامحرم، در آستانه خانه، از هم تمیز داده می‌شوند. حلقه و کوبه درب خانه، اولین حوزه تعیین محرمیت است. هشتی و حیاط بیرون خانه، نهایت نفوذ حضور بیگانه‌هاست. محرمیت درونی نیز با اتاق‌ها و دهلیزها سامان‌بندی می‌شود. اتاق‌ها عرصه محرمیت هر فرد است و راهروی میان اتاق‌ها آن را تقویت می‌کند. با تحلیل و فروپاشی سلسله‌مراتب خانه‌ها، محرمیت نیز رنگ می‌بازد و محرمیت بیرونی با حذف درگاه و هشتی در خانه‌های برون‌گرا تضعیف می‌شود.

۱/۳. فضاهای متنوع و انعطاف‌پذیر

تنوع و انعطاف‌پذیری ویژگی بارز خانه ایرانی است. خانه ایرانی تلفیقی متنوع از فضاهای باز، بسته و پوشیده است. در خانه ایرانی همه فضاهای بسته به‌طور غیرمستقیم و عمدتاً از طریق فضاهای پوشیده با حیاط مرتبط هستند. همین شیوه از حضور هم‌زمان و هم‌مکان انواع فضاهای باز، بسته و پوشیده باعث شده تا تعداد فضاهای خانه، از نظر اندازه و وسعت از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشند. نتیجه همجواری و ترکیب دو فضا و بیشتر آن است که فضاهای مستقل امکان بزرگ‌تر شدن، جادارتر شدن و پذیراتر شدن را دارا هستند. در این میان، فضاهای پوشیده به‌عنوان فضاهای گذار در ادامه فضاهای باز و بسته نقش ایفا می‌کنند. در هر سمت حیاط، ترکیب لایه‌های افقی و عمودی فضا همچون شبکه‌ای در هم تنیده، انواع فضاها را برای انواع فعالیت‌های خصوصی و عمومی مرتبط با شیوه زندگی فراهم می‌آورند. بسیاری اختلاف سطح، شامل سطوح زیرزمین، حیاط، پایین‌خانه و بالاخانه و بام به همراه بسیاری اختلاف ارتفاع، شامل سقف‌های حوضخانه، شاه‌نشین، سهدری، پستو و ایوان عامل ایجاد تنوع در خانه‌های ایرانی هستند. سایر گونه‌گونی فضاها، برحسب عوامل مختلف که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش به‌سزایی دارند، به قرار زیر می‌باشند:

- تنوع جلوه‌های معمارانه تأمین نور از روزن، در، ارسی، چراغگاه و از سقف. از طرف دیگر، نور مستقیم از حیاط و انواع نورهای غیرمستقیم از انواع سرپوشیده‌ها و بام.

- تنوع مقیاس فضاها شامل فضاهای بسیار کوچک، فضاهای بسیار بزرگ و فضاهای میانی و متوسط در گروه فضاهای باز، بسته و پوشیده.

- تنوع بدنه‌ها به‌عنوان تعریف‌کننده فضاهای باز، تعریف‌کننده فضاهای بسته از فضاهای بسته دیگر، تعریف‌کننده فضاهای بسته از پوشیده و تعریف‌کننده فضاهای پوشیده.

- تنوع نور شامل فضاهای کاملاً تاریک، فضاهایی که به تدریج روشن می‌شوند، فضاهای روشن، فضاهای کاملاً نورانی.

- تنوع حرارت شامل اتاق‌هایی که فی‌نفسه خنک هستند، اتاق‌هایی که گرم هستند، اتاق‌هایی که کوران دارند.

۱.۴. رابطه با طبیعت

در تعالیم اسلامی رابطه انسان و طبیعت مورد تأکید قرار گرفته است؛ انسان از یک سو جزئی از طبیعت است و ماده اولیه خلقت انسان از طبیعت گرفته شده است (قرآن کریم، سوره حجر: آیه ۲۷).^۲ از سویی دیگر با آن رابطه معنایی و معرفتی دارد؛ طبیعت محمل زندگی انسان است و عناصر طبیعی، سراسر آیات الهی و منبع مهم شناخت هستند.

در خانه‌های سنتی، حیاط‌های دلگشا و مصفا، حوض‌های کاشی فیروزه‌ای پر از ماهی، باغچه‌های منظم و پر از گل و گیاه با درختان سر به آسمان برافراشته، نماد بارز ارتباط انسان با طبیعت هستند. حیاط، قلب خانه است. وجود حیاط در مرکز خانه‌های سنتی ایران، نمودی از درون‌گرایی است که درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است. این ویژگی خانه سنتی، حیاط را در مرتبه‌ای بالاتر از مفهوم فضای باز قرار می‌دهد.

حیاط‌ها نماد و تمثیلی از بهشت هستند که در خانه‌های ایرانی، جلوه خاص خود را داشته‌اند. به تعبیر بورکهارت، طبیعت بهشت ایجاب می‌کند که مستور و راز آلود باشد؛ به همین ترتیب خانه مسلمان با حیاط مرکزی محصور شده به همراه درختان و آب، مشابه این جهان معنوی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۲).

معمار سنتی در جست‌وجوی نظمی براساس بهره‌وری از مواهب طبیعی و هماهنگ با نظم حاکم بر طبیعت بوده و در پاسخ به این خواست، خصوصی‌ترین باغ درونی را می‌سازد و آن را با نام حیاط معرفی می‌کند. «مرکزیت در اسلام، نمادی از «وحدت وجود» بوده و بازتاب کیفیتی است که در بطن آن «وحدت» نهفته است و در این میان، حیاط‌های مربع مستطیل شکل، سمبلی از ثبات و پایداری می‌گردند و زمانی که در مرکز قرار می‌گیرند. به‌عنوان یک عنصر نظم‌دهنده به معماری و مکان عمل کرده و قطبی می‌شوند که فضاهای اطراف را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهند (نایبی، ۱۳۸۱: ۴۸). در معماری سنتی ایران، حیاط، هسته مرکزی، فضایی با نظم هندسی، درون نگر، مستقل، محوری-مرکزی، سرگشوده و باز به آسمان است، و حوض آب از جمله عناصری است که کیفیت حسی چنین مکانی را تشدید می‌کند. وجود حوض در مرکز حیاط، اشاره بر اهمیت و مرکزیت آب در هستی دارد و به‌خصوص با انعکاس آبی آسمان

^۲ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونٍ (و ما انسان را از گل و لای کهنه متغیر آفریدیم).

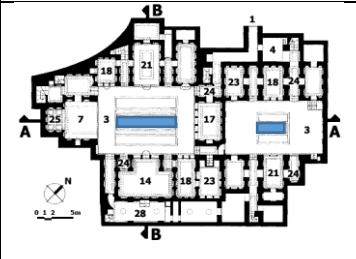
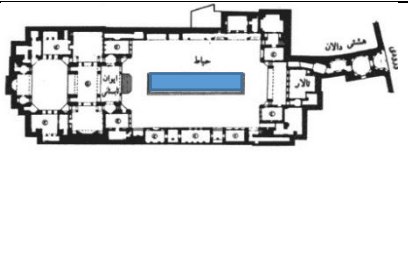
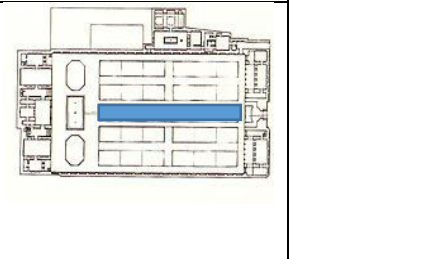
در دل خود، آینه تمام نمای هستی را به نمایش می‌گذارد و گذشته از جنبه تزئینی آن، خود مرکزی است که به تناسب و تقارن عناصر اطراف خود دامن می‌زند. در این راستا برای شناخت بیشتر، به بازشناسی نقش مهم‌ترین و با ارزش‌ترین عنصر طبیعی حیاط، یعنی آب، پرداخته می‌شود.

۱/۵. نقش آب در حیاط خانه‌های سنتی

در فرهنگ نمادهای مقدس سنتی از آب به‌عنوان منشاء همه مخلوقات یاد شده است. همچنین «در متون ایران باستان آب نماد و سمبل آگاهی و دانش است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۵). در قرآن مجید، آیات فراوانی در رابطه با آب و نمودهای مختلف آن مثل چشمه، جویبار، دریا، باران، طوفان و سیل وجود دارد: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (قرآن کریم، سوره انبیا: آیه ۳۰) (ما همه چیز را از آب حیات بخشیدیم). و كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (قرآن کریم، سوره هود: آیه ۷) (عرش خدا بر آب قرار دارد). نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً (قرآن کریم، سوره رعد: آیه ۱۷) (خداوند آب را از آسمان فرو فرستاد). علاوه بر آیات قرآنی، روایات متعددی از معصومین به جنبه‌های مختلف آب اشاره می‌کنند؛ در جایی پیامبر (ص) فرموده‌اند: «سه چیز چشم را قوت می‌دهد: دیدن سبزه، آب جاری و روی خوب»^۳ (پاینده، ۱۳۲۴: ۴۲۵). آب نه تنها قدرت تطهیر ظاهری و بیرونی مردم را دارد، بلکه نماد مناسبی برای پاکیزه ساختن قلوب آدمیان نیز می‌باشد. در تعالیم اسلامی، آب نماد پاکی و مبارکی نماد بهشت و عامل تذکر معرفی شده است. در قرآن بهشت به صورت باغی که در زیر آن جویبارهایی از آب در جریان است، توصیف شده و تأکید بر مرکزیت آب در حیات موجودات دارد^۴ (قرآن کریم، سوره محمد: آیه ۱۲).

در حیاط خانه‌های سنتی آب موجود در حوض به همراه رطوبت و عطر حاصل از گیاهان و گل‌های باغچه، منظومه‌ای هماهنگ از کاربری‌های زیست محیطی را فراهم می‌آورد.

جدول ۱. حوض آب در حیاط خانه‌های سنتی ایران (منبع: نگارندگان)

یزد	کاشان	شیراز
		

^۳. ثلاث يجلبين البصر: النظر إلى الخضرة و إلى الماء الجاری و إلى الوجه الحسن.

^۴. إن الله يدخل الذين آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار... (بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت‌هایی که از زیر (درختان) آن نهرها جاریست در می‌آورد...).



۲. پیوند خانه و ساکنانش

خانه سنتی در ایران ظرفی است درخور مظهر خود یعنی ساکنانش؛ به نحوی که خواسته‌های فرد و گروه در قلمروی حریم خصوصی و عمومی، محترم و محفوظ نگاه داشته می‌شد. سازمان فضایی خانه‌های ایرانی به گونه‌ای بوده که در عین حال که خلوت را تأمین می‌کرد، فضایی نیز برای زندگی جمعی در نظر می‌گرفت. همان‌طور که دنجی و خودمانی بودن، رکن اساسی شکل‌دهنده به اتاق‌های سه دری و فضاهای «اندرونی» بوده، تکریم مهمان، گشودگی فضا و توجه به تزئینات در شکل‌گیری اتاق‌های هفت‌دری و فضاهای «بیرونی» نقش اساسی داشته است؛ به علاوه، هم‌زمان و هم مکان در درون سازمان فضایی، طبیعت و اقلیم را مشارکت داده؛ به طوری که در ساعات متفاوت از روز در فصل‌های مختلف، از آسایش حضور نیز برخوردار باشند، بی‌آنکه به طبیعت و محیط پیرامون، آسیبی وارد شود. بدین ترتیب، خانه فضایی برای گرمی داشت حضور آدمی در خلوت و جمع و تأمین‌کننده آسایش، آرامش و امنیت.

۳. روابط اجتماعی و زندگی جمعی

در خانه‌های سنتی ایران، معمار در خلق بنا بیش از همه به دستورات دین مبین اسلام که دربردارنده اصول اجتماعی لازم برای زندگی افراد است، توجه کرده و آنچه را که لازمه آرامش انسان بوده، رعایت کرده است. علاوه بر اینکه خانواده‌ها در چند نسل متوالی هم‌زمان و در کنار هم در یک خانه زندگی می‌کردند، اصول روابط همسایگی و مهمان‌نوازی نیز از شأن و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود و فضاهایی متناسب با هر کدام در سلسله‌مراتب فضایی خانه‌های ایرانی وجود داشته است. یکی از بارزترین ویژگی‌های ایرانیان، «میهمان‌نوازی» است و گردشگران و سیاحانی که در قرون متمادی از این آب و خاک دیدن کرده‌اند، در سفرنامه‌های خود از مهمان‌داری و مهمان‌نوازی ایرانیان یاد کرده‌اند.

یکی از روش‌های گسترش دوستی در جامعه اسلامی دیدار با یکدیگر در خانه و مهمان‌نوازی صاحب‌خانه است. مهمان-نوازی در همان فرهنگ برادری ریشه دارد. قرآن کریم می‌فرماید: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ*

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا دارید، امید که مورد رحمت خداوند قرار گیرید) (قرآن کریم، سوره‌ی حجرات: آیه ۱۰). جمله «مهمان حبیب خداست» نیز گفته‌ای جاری و پذیرفته شده در میان مسلمانان است، زیرا او برای رضای خدا به ملاقات دوستش رفته است، پس خدا او را دوست دارد.

فضاهای مختص حضور مهمان و زندگی جمعی در خانه‌های سنتی ایران مشتمل بوده بر: فضای ورودی و هشتی که فضای تجمع کوتاه‌مدت مهمانان است که قرار بر حضور آن‌ها در خانه نیست و مهمانخانه و بیرونی که بدون نفوذ به عرصه خصوصی خانه، مکانی برای حضور جمعی میزبان و مهمانان فراهم می‌آورند. بدین شکل، سازمان‌بندی فضایی و عملکردی خانه، در افزایش تردد و مراودات اجتماعی سهم ارزنده‌ای را ایفا می‌کرد.

۴. زیبایی

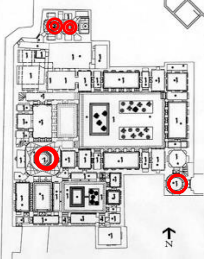



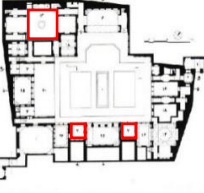


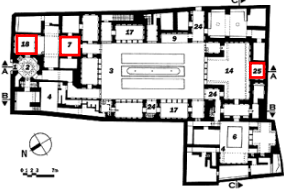
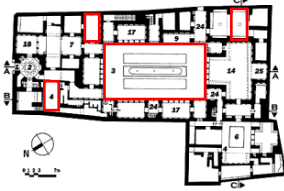
۴.۱. هندسه و تناسبات

هندسه از ارکان اصلی سازنده هویت معماری سنتی ایران است که در تمامی آثار به‌جای مانده از گذشته می‌توان نمودهایی از آن را مشاهده کرد. «در فضای قانونمند هندسه است که هر چیزی و از آن جمله اجزای یک خانه و حتی یک شهر، می‌توانند به دایره هستی قدم گذارند و در فضای کثرت‌ها و گوناگونی‌ها، هویت خود را پیدا کنند و تنها از طریق هندسه است که هر شیء می‌تواند حدود و اندازه‌های موردنیاز خود را برای ورود به عالم وجود، بیابد» (علی‌آبادی، ۱۳۸۶: ۶۸).

علم هندسه ابزار قدرت‌مندی است که معمار ایرانی را قادر به اندازه‌گیری تناسبات فضایی و خلق توازن، نظم و زیبایی در زمین می‌کرد. «الگوهای هندسی معین و اعداد وابسته به آن‌ها با در برداشتن مفاهیم کیهان‌شناسی، نقشی نمادین در آفرینش معماری ایفا می‌کنند» (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۶). هندسه بخشی از تجلی مفهوم زیبایی در خانه ایرانی بوده است. در پلان خانه‌های سنتی ایران این نظم هندسی به صور گوناگون قابل مشاهده است که رساترین آن‌ها تقارن است.

یکی از انواع چندضلعی‌های هندسی که در معماری کاربرد ویژه‌ای دارد، مستطیل می‌باشد. از نمونه این موارد می‌توان به پلان اکثر خانه‌های سنتی علی‌الخصوص در جزئیات (پلان حیاط، اتاق‌ها، راهروها و ایوان‌ها) اشاره کرد. مربع نیز که زیرمجموعه‌ای از مستطیل است، در پلان بسیاری از خانه‌های سنتی به کار برده شده است. همچنین پلان سقف‌های گنبدی به کار رفته در حوضخانه‌ها و هشتی‌ها و شاه‌نشین‌های خانه‌های تاریخی ایران، روایت‌گر داستان نظم هندسی دایره است.

جدول ۲. کاربرد الگوی هندسه در پلان خانه‌های سنتی ایران (منبع: نگارندگان)

نظم هندسی دایره	نظم هندسی مربع	نظم هندسی مستطیل	
			خانه فروغ‌الملک شیراز
			خانه عباسیان کاشان
			خانه مهربان گودرز یزد

۴.۲. تناسبات طلایی ایرانی

در معماری سنتی ایران سخن از مستطیل طلایی ایرانی به میان آمده که بزرگانی همچون پیرنیا صحت این مطلب را تأیید کرده‌اند. مستطیل طلایی ایرانی از محاط شدن یک مستطیل در درون یک شش ضلعی به دست می‌آید. معماران در خانه‌های سنتی ایران در طرح نقشه اتاق‌ها، حیاط و غیره از مستطیل طلایی ایرانی کمک می‌گرفتند. در خانه‌هایی با حیاط مرکزی تناسبات حیاط، پنج دری، سهدری و عناصر دیگر بر مبنای همین تناسب بوده است (پیرنیا، ۱۳۷۸ : ۱۵۹).

۴.۳. پیمون

معماران ایرانی با استفاده از پیمون^۵ به ارائه طرح‌هایی زیبا دست یافته‌اند. «پیمون علاوه بر اینکه در نقشه و اندازه پایه‌ها و ستون‌ها اثر دارد؛ حالت و هیئت نما و در و پنجره و نسبت بین آن‌ها را نیز معین می‌کند و پیش از همه در

^۵ پیمون به معنای اندازه و معیارهایی است که تناسبات اندام‌های ساختمان را از نظر درستی طرح، تناسب، استواری و زیبایی تضمین نموده است؛ جهت اطلاع بیشتر نک: (بمانیان، ۲: ۱۳۸۱).

پوشش درگاه‌ها، ایوان‌ها، طاق‌ها و گنبدخانه‌ها تأثیر دارد؛ پیرنیا در کتاب خود تأکید می‌کند که پیمون، معادل عرض درب است و به دو نوع اصلی شناخته می‌شود: پیمون کوچک، به طول چهارده گره و معادل نود و سه سانتی‌متر و پیمون بزرگ، به طول هیجده گره و معادل یکصد و بیست سانتی‌متر» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). با مراجعه به اندازه‌های فوق مشاهده می‌شود که این اندازه براساس قواره و اندازه‌های مردم‌وار معماری ایرانی بوده است.

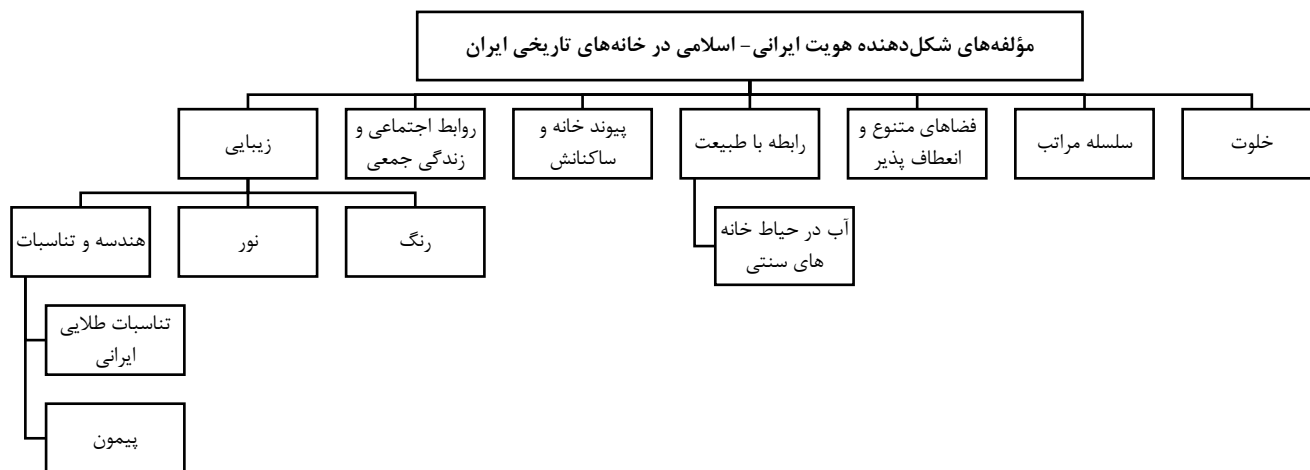
۴.۴. نور

ایرانیان، نور را نشانه‌ای از ذات الهی می‌دانستند و در خلق معماری نیز با دقت و هنری خاص به هدایت نور می‌پرداختند. بنابراین، عامل نور نه فقط به منزله عنصری مادی، بلکه به مثابه تمثیلی از «وجود» و «خرد الهی» است که همچون جوهری معنوی در غلظت و تیرگی ماده نفوذ می‌کند و به آن کرامت و شایستگی می‌بخشد. خانه‌های سنتی ایران دارای اتاق‌های متعدد با پنجره‌های متنوع بوده‌اند که این تنوع، تنوع در نورگیری را نیز به دنبال داشته و نورگیری اتاق سه دری با اتاق پنج دری، تالار زمستان‌نشین، تالار آینه و حوضخانه متفاوت بوده است. به منظور بررسی نقش طراحی معماری و تنوع نورگیرهای مختلف در کمیت و کیفیت روشنایی فضا در خانه‌های سنتی ایران، تحقیقی در مجموعه خانه عامری‌های کاشان، انجام شده و نتایج حاصل از پژوهش فوق حاکی از این است که در مرحله اول شرایط همسایگی کنترل شده یعنی نسبت فضای باز و بسته به گونه‌ای انتخاب شده که کلیه فضاهای اصلی با زاویه قائم بیش از ۴۰ درجه به آسمان دید دارند. در این رابطه، فضاهای اصلی در مرکز محور طولی حیاط‌ها قرار گرفته‌اند تا از دید بهتری به حیاط و آسمان برخوردار باشند. مرحله دوم کنترل عمق و هندسه اتاق است یعنی در همه فضاها عمق اتاق به صورتی انتخاب شده که همواره کمتر از عمق نفوذ روشنایی باشد. به این ترتیب حتی در دورترین نقطه اتاق نسبت به پنجره، امکان دیدن آسمان برای فرد نشسته روی زمین وجود دارد. با توجه به آفتابگیری برخی از فضاها و شدت زیاد روشنایی در روزهای صاف، استفاده از قاب‌های مشبک و شیشه‌های رنگی خصوصاً در تاج پنجره‌ها از ایجاد روشنایی و خیرگی در فضای داخلی جلوگیری کرده است. مرحله بعدی طراحی فضاهای خاص است. فضاهای اصلی با مساحت و ارتفاع بیشتر، در محورهای اصلی حیاط واقع شده‌اند تا از بهترین شرایط منظر و نورپردازی برخوردار باشند. فضاهای دارای عمق زیاد مانند حوضخانه، علاوه بر نورگیری مستقیم از حیاط، با نورگیرهای سقفی در بخش عمیق روشن شده‌اند. مرحله چهارم طراحی فضاهای واقع در لایه‌های میانی است. این فضاها با استفاده از نورگیرهای سقفی و نور دست دوم ناشی از فضاهای جانبی که دسترسی مستقیم به نور روز دارند، نورپردازی شده‌اند. نتیجه آنکه برای بهره‌مندی از نور طبیعی لازم است تا این مهم از اولین مراحل طراحی و ایده‌های نخستین طرح مورد توجه قرار داشته باشد و بدون رعایت این ملاحظات استفاده مناسب از نور روز به خوبی میسر نخواهد بود (طاهباز و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۶-۸۰). درست همان معضلی که در خانه‌های معاصر شاهد آن هستیم.

رنگ که با تجزیه نور شکل گرفته، نمادین‌ترین تمثیل در تجلی کثرت در وحدت است، زیرا از یک‌سو رنگ همان نور است (وحدت) و از دیگر سو نور بنا به تجزیه، تجلیات مختلف ملونی می‌یابد که همان کثرت است (بلخاری قهپی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۹). باتوجه به معنای تمثیلی هر رنگ و تأثیر ترکیب رنگ‌ها بر روح، در هنر ایرانی از رنگ‌ها استفاده می‌شود؛ بنابراین، استفاده از رنگ‌ها بیش از آنکه به تقلید از رنگ‌های طبیعی باشد، در پی تذکار حقیقتی آسمانی است. «در سنت اسلامی، رنگ از دیدگاهی مابعدالطبیعه در نظر گرفته می‌شود؛ رنگ سبز و آبی از رنگ‌های غالب در هنر اسلامی که همراه رنگ‌هایی چون سرخ، زرد، خاکی و لاجوردی به کار گرفته می‌شوند، رنگ‌هایی درخشان و بس فرح‌انگیزاند که نرمی، لطافت، زیبایی، هیجان و شیدایی عالمی دیگر را روایت می‌کنند» (بلخاری قهپی، ۱۳۸۴: ۴۸۲). شیشه‌های رنگی در خانه‌های ایران از زمان صفویه کار شد و در پنجره‌های مشبک به کار رفت؛ اما استفاده از آن‌ها در دوره قاجار در ارسی‌ها به اوج خود رسید. استقرار رنگ‌ها در چیدمان شیشه‌های رنگی سطوح نورگذر ارسی‌ها، تصادفی نیست و از نظمی پنهان و متناسب برخوردار است. نظمی که باعث تسری نوعی از زیبایی جهان‌شمول و بی‌زمان بر نحوه چیدمان شیشه‌های رنگی در ارسی‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی و غور در معماری خانه‌های سنتی ایران این نتیجه حاصل شد که هویت در خانه‌های مزبور از اجزایی تشکیل گشته که بدون آن‌ها دیگر خانه مفهوم واقعی خود را نداشته و تنها به یک سرپناه تنزل می‌یابد. صحبت از خانه یعنی صحبت از فرهنگ، خاطره، سنت و هر آنچه پایه‌های هویتی یک قوم را شکل می‌دهد. زیرا هیچ فردی بدون خانواده و هیچ خانواده‌ای بدون خانه‌ای که در آن ساکن است، معنا نمی‌یابد و خانه مأمنی است برای بشر تا در آن بتواند آرامش یابد و خستگی از تن برهاند؛ با اعضای خانواده و دوستان و اقوام به گفت‌وگو بپردازد؛ با خود و خدایش خلوت کند و با نگاه به سبزه و آب و قدم زدن در حیاط، جان دوباره بیابد؛ این درست نقطه مقابل خانه‌های معاصر ایران است که تقریباً به هیچ‌کدام از خواسته‌های مادی و روحی بشر پاسخ مناسب و درخور اشرف مخلوقات نمی‌دهند. گویی زنبور عسل خلوت و جمع دلنشین‌تری دارد و در عین حال هندسه و زیبایی را به شکل خلاقانه‌تری در خانه‌اش به نمایش گذاشته است. نتیجه آنکه نمی‌توان از این دانه‌های شهری توقع خانه‌ای اصیل داشت و نمی‌توان از فردی که در خانه‌ای نه‌چندان بی‌شبهت به قوطی کبریت‌های سوار برهم زندگی می‌کند و از ابتدایی‌ترین تسهیلات همچون آرامش، آسایش، امنیت و دنجی بهره‌مند نیست، توقع آرامش و رشد معنوی داشت. در این پژوهش با بررسی کالبد شکافانه مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت در خانه‌های سنتی ایران، سعی بر آن بود که «خانه» و «هویت»، این دوگانۀ آشنا در گذشته و ناآشنای امروز را بار دیگر آشتی داده و در این راستا نموداری برای رسیدن به آرمان فوق ارائه می‌گردد:



نمودار ۱. مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت خانه ایرانی

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۸۵). هنجار شکل‌یابی معماری اسلامی ایران به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بودریار، ژان. (۱۳۷۴). مدرنیته، ترجمه ترانه یلدا، تهران: انتشارات مرکز.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). هنر مقدس: اصول و روش‌ها، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۲۴). نهج‌الفصاحه، جلد ۱، تهران: انتشارات جاویدان.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۸). تحقیق در گذشته معماری ایران، تهران: انتشارات سروش دانش.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۴). بین گذشته و آینده، تهران: انتشارات نی.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۵). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: انتشارات فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹). گستره‌های معماری، تهران: انتشارات فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات اولین سمینار وجود و آینده مراکز مسکونی تاریخی، چاپ دوم، تهران: انتشارات فضا.
- قرآن کریم. (۱۳۸۹). ترجمه حسین انصاریان، قم: انتشارات آیین دانش.
- نایبی، فرشته. (۱۳۸۱). حیات در حیاط، تهران: انتشارات نزهت.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۴). جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهرهای ایرانی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۶۶). برگزیده مرصادالعباد. جلد دوم، مشهد: انتشارات توس.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۸). بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقالات

- ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱). «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۷، ۲۷-۳۸.

بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر نقش و کاربرد پیمون در معماری ایرانی»، نشریه مدرس هنر، دوره ۱، شماره ۱، ۱-۱۰.

حجازی، مهرداد. (۱۳۸۷). «هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی»، نشریه تاریخ علم، دوره ۶، شماره ۷، ۴۴-۱۷. طاهباز، منصوره و دیگران. (۱۳۹۴). «تأثیر طراحی معماری در بازی نور طبیعی در خانه‌های سنتی ایران»، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۵، ۸۱-۷۱.

علی‌آبادی، محمد. (۱۳۸۶). «هندسه جاویدان در معماری اسلامی»، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۵، ۱.

منابع انگلیسی

- Alexander. C , (۱۹۷۷). A Pattern Language, Oxford University Press, NewYork
- Barton, H. (۲۰۰۳). Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality, London: Spon Press Buchanan, Peter, Regional Identity, Only Connect, The Archi.
- Corbin, H. (۱۹۸۳). Cyclical Time and Smaili Gnosis , London.
- Cown, (۲۰۰۵). The Dictionary of Urbanism, London. Street Wise Press
- Domer, D. (۱۹۸۹). The Old and New of Vernacular Architecture: A Review Essay, JAE, Vol. ۴۲, No ۴
- Le Corbusier. (۱۹۸۶). Towards a New Architecture, Mineola, NY: Dover Publications, Inc.
- Louis , Saver& Arbour, Daneiel & Associates. (۱۹۸۹). Joining old & new: Neighbourhood Planing and Architecture for city Revitalizatio,(online)http:// Lasur.epfl.ch,revue,S aver. Pdf.
- Martin H. (۱۹۶۲). Being and Time, transl.John Macquaric & Edward Robinson, New York, Harper & Row
- Miller, W. (۱۹۸۶). Vernacular Influences in Modern Finish Architecture, in Saile, David G, Architecture in cultural change: Eassays in Built Form & Cuiture Research, The University of Kansas, Lawrence.
- Moore, Ch. (۱۹۷۴). The Place of House, USA, California, Uni- versity of California Press
- Newman,O. (۱۹۷۲). Defensible Space: People and design in the violent city, New York: Macmillan
- Rapoport, A. (۱۹۷۵). Toward a redefinition of density, Environment and Behavior
- Rapoport, A. (۱۹۶۹). House Form and Culture, USA, Prentice Hall publications
- Schoenberg, S. (۱۹۷۹). Criteria for the evaluation of neighborhood viability in working classand low income areas in core cities, Social Problems,No ۲۷.